

کلیدواژه‌ها: عصر فرانوگرا، مدیریت پست مدرن، رهبری مشارکتی، سازمان یاددهنده، فناوری آموزشی، ارزش‌یابی آموزشی، آموزش و پرورش گفت‌وگو محور.

اشاره

عصر کنونی را به جهت گسترش سریع علم و فناوری «عصر فرانوگرا» نامیده‌اند. از جمله ویژگی‌های این دوران رشد و توسعه سریع علم و فناوری و تغییر و تحولات محیطی است. در چنین شرایطی جامعه و همه سازمان‌های درون آن از جمله «نظام آموزشی و مدرسه» نیز دست‌خوش تغییر و تحولات شده است.

در این گفتار به منظور شناخت نظام آموزشی و مدرسه در شرایط جدید به برخی از مؤلفه‌های آن از جمله مدیریت آموزشی، سیمای مدرسه، نقش معلم در کلاس درس، فناوری آموزشی، محتوا و مواد درسی و شیوه‌های ارزش‌یابی آموزشی پرداخته شده است تا زمینه شناخت و تعامل هر چه بیشتر عوامل مؤثر در این فرایند فراهم آید.

جهانی شدن و تغییر و تحولات سریع محیطی از مهم‌ترین ویژگی‌های عصر فرانوگراست. «در دنیای کنونی که آن را عصر پسانوگرایی یا پست مدرن می‌نامند، محیط به هیچ وجه ثابت ندارد و سازمان‌های این عصر متوجه محیط پرهرج و مرج و غیر قابل پیش‌بینی جهان شده‌اند.» (ریچارد ال. دفت، ۱۳۸۱، ص ۲۹)

در این محیط متغیر، آموزش و پرورش در زندگی فردی و اجتماعی افراد نقش بسیار مهمی دارد و به تعبیری: «نظام آموزش و پرورش الگوی کلی نهادها، مؤسسات و سازمان‌های رسمی جامعه بوده و وظایف متعددی از جمله انتقال فرهنگ و شکوفاسازی آن، پرورش همه جانبه فرد و تربیت نیروی انسانی ماهر و متخصص را بر عهده دارد.» (علاقه‌بند، ۱۳۷۲، ص ۷)

لذا ضرورت دارد همه عوامل و عناصر مؤثر در این نظام اعم از سیاست‌گذاران، مدیران آموزشی، معلمان، مربیان، والدین و دانش‌آموزان از شرایط جدید درک و شناخت درستی داشته باشند و متناسب با این شرایط اقدام نمایند.

چشم‌انداز

فراز سیمای مدرسه در عصر وگرا

رضا حیدری فرد

دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی دانشگاه تربیت معلم تهران



مدیریت در عصر پُست مدرن (فرانوگرایی)

در دنیایی که از جمله ویژگی‌هایش تغییرات سریع، پیچیدگی و شگفتی‌هاست، مدیریت نمی‌تواند به شیوه‌های سنتی محتوای درون و بیرون سازمان را بگشاید، اندازه‌گیری کند، پیش‌بینی نماید و یا آن‌ها را کنترل کند. (ریچارد آل دفت، ۱۳۸۱، ص ۲۹)

اگر در گذشته اصول و کارکردهای مدیریت، برنامه‌ریزی، سازماندهی، فرماندهی، هماهنگی و کنترل بوده است در عصر کنونی با توجه به شرایط محیطی کار، کارکردهای مدیریت به نوآوری، سازماندهی فعال، ترغیب، هم‌آفرینی و خودکنترلی تغییر یافته است. (رجایی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸، ص ۶۵)

مدیریت فرانوگرا (پُست مدرن) سعی دارد مدیران را به این سمت سوق دهد: رهبری مشارکتی، توجه به سطوح بالای انگیزش افراد، منعطف ساختن ساختارهای سازمانی، تمرکززدایی، پرورش روحیه خلاقیت و نوآوری و فرصت دادن به افراد برای گسترش ظرفیت انتقادی خود در شرایط متغیر. (همان منبع، ۱۲)

در عصر جدید سازمان‌ها باید به صورت «سازمان یاددهنده» اداره شوند؛ چرا که سازمان یاددهنده هوشمند است، استراتژی بهتری را به کار می‌گیرد و عملکرد اثر بخش‌تری دارد. در سازمان یاددهنده، هر کس باید به طور مداوم مهارت و دانش جدید کسب کند و نیز هر کس در سازمان باید یاد گرفته‌هایش را به دیگران نیز منتقل کند. در سازمان یاددهنده رهبران «یاددهی» را مسئولیت خود می‌دانند. (همان منبع، ص ۱۰۷)

به تعبیر دیگر «ترقی هر جامعه‌ای در گرو نوع و چگونگی فعالیت است که در مدارس انجام می‌گیرد و اثر مدیریت به عنوان رهبر آموزشی در مدرسه را نمی‌توان نادیده گرفت.» (میرکمالی، ۱۳۷۳، ص ۱۷) نظر به همین امر و همچنین با توجه به اهمیت و نقش آموزش و پرورش در زندگی فردی و اجتماعی افراد، مدیر آموزشی در عصر کنونی باید از چشم‌انداز و دانش وسیعی برخوردار باشد تا بتواند با تکیه بر دانش و توانمندی‌های خود با غلبه بر محیط و شرایط متغیر، به هدایت برنامه‌ها و امور آموزشی بپردازد.

سیمای مدرسه پُست مدرن

ورود انسان‌ها به دوران پُست مدرن، داشتن آمادگی‌های خاصی را برای زندگی در دنیای بزرگ و پیچیده ضروری می‌سازد. در این راستا نظام آموزشی و مدارس نیز باید به تدریج آمادگی‌های لازم را کسب نمایند. «برای ورود به جامعه اطلاعاتی و ارتقای توان ماندگاری در آن، آموزش و یادگیری نقش بزرگی دارد.» (آهنچیان، ۱۳۸۲، ص ۱۲۷) روشن‌ترین تصویری که می‌توان از مدرسه پُست مدرن ارائه داد، تصویر آن چون یک «اجتماع» است. اجتماع پُست مدرن همیشه در

زمان حال قرار دارد. در چنین مدرسه‌ای تنها بر جنبه‌های عقلانی رابطه که طی برنامه‌های دقیق، مسیرهای ارتباطی را از پیش مشخص ساخته تأکید نمی‌شود، بلکه جنبه‌های زیباشناختی و عاطفی اجتماع است که در صورت گسترش، به احساس و برداشت اعضاء و مخاطبان خود معنای جدیدی می‌دهد. در مدرسه پُست مدرن تضارب‌آرا و اختلاف عقیده خواه در قالب گفت‌وگو یا اقدام ستودنی است؛ اما این امر مانع هماهنگی و مشارکت نمی‌شود. در مدرسه پُست مدرن کارها و هدف‌های مشترک عامل پیونددهنده اعضا خواهد بود. «گفتمان» واژه کلیدی مدرسه پُست مدرن است. گفتمان محور شناخت و حتی وسیله‌ای برای تولید دانش است. کانون فعالیت‌های مدرسه «گفتمان» است؛ به نحوی که همه افراد و گروه‌ها و همه دانش‌آموزان درون مدرسه و پیوستگان بیرونی مدرسه را مستقیم یا غیرمستقیم در بر می‌گیرد. پُست مدرنیست‌ها در شکل بسیار فعال خود، نوعی آموزش و پرورش گفت‌وگو محور را توصیه می‌کنند. در طول زمان، گفتمان برای مدرسه پُست مدرن ارمغان‌هایی چون افزایش شکیبایی در برابر دیدگاه‌های مخالف، بالندگی اندیشه جمعی، رشد راه‌های نو برای حل مسئله، ارتقای گرایش به همکاری و اقدام جمعی را به همراه خواهد داشت. در این شرایط صداهای بیشتری به گوش می‌رسد. این صداها می‌تواند در دنیای کلاس شوری به پا کند، حضور و فعالیت همگانی را تضمین نماید و دانش‌آموزان را با ترکیب‌های بی‌همتا، تازه و بی‌پایان در کنار یک‌دیگر یا در مقابل هم قرار دهد. این صداها همچنین می‌تواند در هدف‌ها، راهبردها و نقشه‌های یادگیری تغییراتی پی‌درپی پدید آورد و دنیای کلاس را در سایه‌ی این تغییرات همیشگی به محلی برای رشد فزاینده تبدیل کند. از چشم‌انداز پُست مدرن، گفت‌وگو و مباحثه تولیدکننده دانش است، پس خود یک «برنامه» است؛ برنامه‌ای با ویژگی‌هایی که پُست مدرن بدان می‌نگرند، آنی و بر اساس اقتضائات موقعیت. (همان منبع، صص ۱۰۱ - ۱۰۰)

اگر قرار است دانش‌آموزان خوب تربیت شوند و در آینده شهروندان مفیدی باشند، باید افرادی خلاق و نقاد و دارای بینش علمی و آزادی اندیشه باشند. در برنامه‌های مدارس باید روش‌هایی گنجانده شود که از طریق آن‌ها دانش‌آموزان قابلیت‌های چگونه آموختن را همراه با نظم فکری بیاموزند؛ زیرا معرفت در فرایند اندیشه منظم رشد می‌یابد. (شعبانی، ۱۳۸۶، ص ۶)

بنابراین در این راستا پیشنهاد می‌شود:

به بعد کارآیی برونی نظام آموزشی، توأم با کارآیی درونی توجه ویژه شود تا نظام آموزشی و مدرسه در این دوران بتواند در مقابل تغییر و تحولات محیطی و نیازهای روزافزون پاسخ‌گوی خواست‌ها و نیاز افراد جامعه باشد.

نقش معلم در کلاس درس از منظر پُست مدرن

«امروزه متخصصان تعلیم و تربیت معتقدند که دانش آموزان در مدارس باید چگونگی ارزش‌یابی، کاربرد و تولید دانش را بیاموزند.» (شعبانی، ۱۳۸۶، ص ۱۳)

با عنایت به این دیدگاه نقش معلم بیش از پیش در هدایت و جهت‌دهی به فعالیت‌های آموزشی پررنگ‌تر می‌گردد، اما نوع دخالت و شیوه هدایت فعالیت‌ها متفاوت از گذشته خواهد بود. «پُست مدرن به هیچ روی قصد حذف معلم از سیستم آموزشی را ندارد، به رغم تکیه دوران نو بر حجم گسترده تولید اطلاعات و فناوری پیشرفته، انتقال و تبادل آن در سریع‌ترین زمان و نیز با وجود ورود رایانه‌ها، فرایند آموزش همچنان چون فرایندی انسانی - اجتماعی مورد نظر است. پُست مدرن که می‌خواهد جنبه‌های عاطفی - روانی را در قالب رابطه‌های کلامی با جنبه‌های شناختی ترکیب کند، به کنار گذاردن معلم نمی‌اندیشد، اما به خاطر تغییرات پدید آمده در روش‌های آموزش و یادگیری، از نقش پخش‌کننده دانش و اطلاعات دور می‌شود و به سوی آفرینندگی و تسهیل جریان یادگیری کلاس یا گروه‌ها حرکت می‌کند. امکان یادگیری انفرادی دانش آموز با آموزش کلاس و کار در گروه‌ها به هم درمی‌آمیزد و نقش معلم را هر لحظه تغییر می‌دهد. نقش گزارش‌دهندگی دانش آموز به حداقل کاهش می‌یابد؛ زیرا معلم در میان گفت‌وگوهای ایجاد شده در کلاس در جریان تقلا بی‌پایان او قرار می‌گیرد و یافته‌های او را که از طریق درگیری در پروژه‌های همیشگی پژوهش به دست می‌آید، در نظر دارد.» (آهنچیان، ۱۳۸۲، ص ۱۰۲)

«پارکر» درباره چگونگی نقش تربیتی معلم برای چنین کلاس‌هایی می‌گوید، معلم باید به نحوی آموزش ببیند که بتواند دانش آموزان را در انجام مشق‌های شالوده‌برانداز پشتیبانی کند. بر این اساس می‌توان از معلم انتظار داشت که تحت شرایط پُست مدرن:

- نقش مؤثر خود را به عنوان عضوی از گروه شناسایی کند و فعال سازد.

- آن‌جا که فراگیران در یافتن موضوع گفت‌وگو و پیش بردن جریان انتقاد به کمک او نیاز دارند، مؤثر باشد.

- بکوشد تا مجاری انتقال اطلاعات به کلاس را هر چه بزرگ‌تر کند و بر سرعت این انتقال بیفزاید.

- برای غنی‌سازی گفت‌وگوها و توسعه تعامل‌ها از همه منابع موجود اجتماعی بهره‌برداری کند؛ یعنی از ورود آن‌ها به کلاس استقبال کند. (همان منبع، ص ۱۱۳)

چنین ویژگی‌هایی از مؤلفه‌های یک آموزش و پرورش پویا و کارآمد است. «در یک نظام علمی کارآ، باید توان مسئله‌یابی با روش‌های جست‌وجوگرانه و کنجکاوانه در دانش‌آموزان برانگیخته شود و ادراک آن‌ها گسترش یابد.» (رفیع پور، ۱۳۸۱، ص ۱۶۴)

همچنین فراگیر (دانش‌آموز) باید مطالب جدید را خلاصه و تکرار کند و درمورد آن‌ها به مباحثه بپردازد. (میری، ۱۳۸۳، ص ۸۴)

آموزش‌ها باید به نحوی باشد که دانش‌آموزان را در مطالعه مسائل مبتلا به جامعه مشارکت دهد. این اقدامات به توانمندی‌ها و مهارت‌های معلمان در شرایط جدید بستگی دارد. بنابراین ضرورت دارد آموزش و پرورش در فرایند جذب، به کارگیری و نگهداری نیروی انسانی ماهر و متخصص اقدامات مؤثری را به عمل آورد و نیز نیروی انسانی موجود را از طریق آشنا نمودن با روش‌ها و شیوه‌های آموزش و استفاده از فناوری‌های نوین توانمند سازد؛ چرا که «هر قدر میزان آموزش نیروی کار بیشتر باشد، هنگام تغییرات و تحولات تکنولوژیکی بهتر و سریع‌تر می‌تواند خود را با شرایط در حال تغییر تطبیق دهد و از انعطاف‌پذیری بیشتری برخوردار است.» (عمادزاده، ۱۳۷۱، ص ۵۱)

فناوری آموزشی

در دنیای جدید و در نظام آموزشی با رویکرد فرانوگرا فناوری‌های آموزشی در تسهیل فرایند یاددهی - یادگیری نقش بسیار مهمی دارند. استفاده از چندرسانه‌ای‌ها در آموزش، برای ایجاد انگیزه یادگیری در دانش‌آموزان بسیار مفید و مؤثر است؛ چرا که «چند رسانه‌ای‌ها تجارب یادگیری چند حسی را در اختیار دانش‌آموزان قرار می‌دهند.» (ذوفن، ۱۳۸۵، ص ۲۱۸)

به نظر می‌رسد که پُست مدرن قصد براندازی تکنولوژی آموزشی یا راه‌اندازی جنگ با آن را ندارد، بلکه با نگاهی نقادانه خواستار کاستن از عوارض تکنولوژی مدرن است. بر اساس رویکرد پُست مدرن، فضای یادگیری در کلاس‌های معمولی مدارس، از صدها و هزارها رابطه تشکیل شده است که هر یک به نوبه خود تازه و غیر قابل پیش‌بینی است؛ بنابراین هرگونه کوششی برای تنظیم و ارائه طرحی که با استفاده از رسانه‌های باری‌رسان یا بدون آن، قصد پیش‌بینی و کنترل آن‌ها را داشته باشد، در عمل به شکست می‌انجامد. (آهنچیان، ۱۳۸۲، ص ۱۱۴)

از منظر پُست مدرن ورود اینترنت به دنیای کلاس و ... به ویژه بر جریان و ساخت رابطه‌ها اثر می‌گذارد. اینترنت نه فقط روابط درون و برون کلاس، بلکه محتوای دانش کلاس را با تغییرات اساسی روبه‌رو ساخته است. (همان منبع، ص ۱۱۶)

در شرایط پُست مدرن، مدارس به ویژه تحت تأثیر فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی (ICT)، بدون نیاز به میانجی‌هایی به نام برنامه‌ریزان، مستقیماً در معرض تغییرات قرار می‌گیرند. در چنین شرایطی و به رغم گذر بزرگ‌راه‌های اطلاعاتی از کلاس، نقش معلم در ایجاد هماهنگی در فرایند یادگیری حذف نمی‌شود. فناوری اطلاعاتی و ارتباطی (ICT) باعث تنگ شدن جای معلم در کلاس نمی‌شود.

در هر شرایطی برای شروع، تقویت یا نتیجه‌گیری از گفت‌وگو، یک عامل انسانی ضروری است، در این‌جا نقش معلم بیش از همیشه، به سوی آفرینندگی دانش و تسهیل‌کنندگی جریان‌های یادگیری حرکت می‌کند. (همان منبع، ص ۱۱۸)

بنابراین در شرایط جدید و با استفاده از اینترنت که امکان دسترسی آسان به دانش تولیدشده را هر لحظه به وجود می‌آورد، طراحی و سازماندهی محتوای دانش چگونه خواهد بود؟

محتوا و مواد درسی

به نظر «لیوتار» انتقال یادگیری از طریق آموزش تأثیر چشمگیری تحولات فناوری بر دانش را احساس می‌کند یا در آینده آن را احساس خواهد کرد. شیوه‌های کسب، دسته‌بندی، گسترش و بهره‌برداری از یادگیری دچار تغییرات اساسی شده است. در این شرایط، ماهیت دانش نمی‌تواند دست‌نخورده و بدون تغییر باقی بماند. ماهیت جدید دانش تنها در صورتی می‌تواند در درون مجاری جدید جا باز کند و به‌صورت عملی و اجرایی درآید که جریان یادگیری به قالب اطلاعات عمومی برگردانده و ترجمه شود. در پیکره تثبیت‌شده دانش، هر چیزی که قابل برگرداندن (ترجمه) به این شکل نباشد، کنار گذاشته خواهد شد و قابلیت برگردانده شدن نتایج نهایی تحقیقات جدید به زبان رایانه تعیین‌کننده سمت و سوی این تحقیقات خواهد بود. تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان دانش که بخواهند اختراع کنند یا یاد بگیرند، حتماً و باید ابزار لازم برای ترجمه و برگرداندن به این زبان را در اختیار داشته باشند. (همان منبع)

ارزش‌یابی در آموزش و پرورش پُست‌مدرن

از درجه پیشرفت دانش آموز چگونه ارزش‌یابی می‌شود؟ در پاسخ باید گفت که با عنایت به رویکرد پُست‌مدرن، در این کلاس‌ها و مدارس نیز ارزش‌یابی یک ضرورت به شمار می‌آید. به علاوه نتیجه ارزش‌یابی در گرفتن بازخوردهای شخصی و امکان دست‌یافتن به تصویری از وضعیت خود مؤثر است. ارزش‌یابی به فرد کمک می‌کند تا وضع خود را با ملاک‌های قراردادی مقایسه کند و بکوشد تا نقطه‌های تشخیص داده شده ضعف خود را ترمیم و اصلاح کند. برای کمک به هر چه درست و دقیق‌تر کردن تصویر خود، مشورت با دیگران نیز سفارش می‌شود. در این‌جا جریان‌های یادگیری یکسره فعال‌اند و این امر که با ارزش‌یابی مداوم از خود همراه است به دانش‌آموز کمک می‌کند تا آن‌جا که احساس کند به کسب صلاحیت‌هایی که خواهان آن بوده، ادامه دهد. (آهنچیان، ۱۳۸۲، ص ۱۲۱)

با عنایت به مطالب مشروح و با توجه به نقش و اهمیت آموزش و پرورش در زندگی فردی و اجتماعی افراد، به منظور کارآمدی هر چه بیشتر نظام آموزشی در شرایط کنونی پیشنهادهای ذیل ارائه می‌گردد:

- توسعه فناوری ICT در مدارس؛
- تأکید بر شیوه‌های آموزش مسئله‌محور در تدریس دروس؛
- استفاده از فناوری‌های جدید در آموزش؛
- توسعه پژوهش‌سراهای دانش‌آموزی؛
- طراحی و توسعه آموزش‌های الکترونیکی؛
- اصلاح فرایند ارزش‌یابی دروس و تأکید بر ارزش‌یابی کیفی؛
- اصلاح فرایند جذب، به کارگیری و نگهداری نیروی انسانی کارآمد؛

- راه‌اندازی شبکه و سایت مدارس به منظور انعکاس به روز عملکرد آموزشی و تربیتی دانش‌آموزان جهت تعامل هر چه بیشتر اولیاء و مربیان در شرایط جدید؛

- تدوین محتواهای آموزشی مبتنی بر راهبردهای فراشناختی جهت توانمندسازی دانش‌آموزان در شناسایی مشکلات خود و جامعه و ارائه راه‌حل‌های مناسب؛

- ارتقای توانمندی‌های مدیران و معلمان از طریق برگزاری دوره‌های آموزشی کیفی و نظارت بر عملکرد آنان.

- استفاده از شبکه اینترنت و اینترنت در نظام آموزشی به منظور تعامل هر چه بیشتر معلمان و دانش‌آموزان با عوامل محیطی و درونی نظام آموزشی؛

- طراحی محتواهای جذاب الکترونیکی منطبق بر نیازهای دانش‌آموزان در بُعد ارزشی و فرهنگی جامعه به منظور پرورش و تربیت دینی و اخلاقی آنان و معرفی ارزش‌ها و فرهنگ اسلامی - ایرانی به دیگران در دنیای مجازی؛

- بازنگری و طراحی آموزش کیفی درس زبان انگلیسی و علم رایانه در همه رشته‌های آموزش متوسطه در سطح کشور. ■

منابع

۱. آهنچیان، محمدرضا، آموزش و پرورش در شرایط پُست‌مدرن، تهران، طهوری، ۱۳۸۲.
۲. دفت، ریچاردال، مبانی تئوری و طراحی سازمان، ترجمه پارسائیان و اعرابی، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۸۱.
۳. ذوفن، شهناز، کاربرد فناوری‌های جدید در آموزش، تهران، سمت، ۱۳۸۵.
۴. رجایی‌پور و همکاران، فرانوگرایی در نظریه‌های سازمان و مدیریت، اصفهان، کنکاش، چاپ اول، ۱۳۸۸.
۵. رفیع پور، فرامرز، موانع رشد علمی در ایران و راه حل‌های آن، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۸۱.
۶. شعبانی، حسن، روش‌های تدریس پیشرفته (آموزش مهارت‌ها و راهبردهای تفکر)، تهران، سمت، چاپ دوم، ۱۳۸۶.
۷. علاقه‌بند، علی، مبانی نظری و اصول مدیریت آموزشی، تهران، بعثت، ۱۳۷۲.
۸. عمادزاده، مصطفی، مباحثی از اقتصاد آموزش و پرورش، اصفهان، جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۱.
۹. میرکمالی، سیدمحمد، رهبری و مدیریت آموزشی، تهران، رامین، ۱۳۷۳.
۱۰. میلر، دبیلو آر و میلر، ماری اف، راهنمای تدریس در دانشگاه‌ها، ترجمه ویدا میری، تهران، سمت، ۱۳۸۳.